

سلامت و رفاهیت



دانشگاه پیام نور

مرکز ساری

بررسی فقهی و حقوقی فرزندخواندگی

در حقوق ایران

فهیمة ملایی

استاد راهنما: دکتر حسن مبینی

استاد مشاور: دکتر عابدین مومنی

پایان نامه

برای دریافت درجه کارشناسی ارشد

در رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی

تیرماه ۱۳۹۰

Abstract

Orphan supervision phenomenon is inevitable in any society, hence the orphan adaptation is one of the important issues which legal systems are facing all over the world as well as Iran.

In almost every society to adapt a an orphan have long been considered morally common, on the one hand for the sake of the orphan, on the other hand to satisfy the spiritual and emotional needs of barren spouses.

Due to the importance of the issue a set of rules and regulations has been made in Islam; It is of Muslims duties to provide orphans' need.

Orphan adaptation have got legal status by making the “ Protection of Children without Guardian” in March 1975. As a rule of law in Iran, Implied in the mentioned rule title, orphan adaptation has different stiles and works differently than in other countries.

The current study defines the adaption and clarifies its nature first, then investigate the conditions, rights, and duties of the two pillars of the case, viz. stepchild and stepparent, and finally the legal impacts of adaptation.

Keywords: adaptation, orphan, patronage, genealogy, inheritance.

چکیده

وجود پدیده بی سرپرستی در هر جامعه امری غیر قابل اجتناب است و فرزند خواندگی یکی از موضوعات مهمی است که نه تنها نظام حقوقی ایران بلکه نظام حقوقی اکثر کشورها در سطح دنیا با آن روبرو هستند. پذیرش کودکان بی سرپرست و یتیمان به فرزند امری نیکو و پسندیده است که گاهی به منظور کمک به ایشان و گاه برای اهداف دیگر از قبیل رفع نیاز عاطفی افراد بدون فرزند از دیر باز در جوامع بشری مرسوم بوده است. در اسلام نیز با توجه به اهمیت مسئله دستورات و قوانین بسیاری در رابطه با ایتمام و افراد بی سرپرست مقرر شده و مسلمین در برابر تأمین نیازهای مادی و معنوی ایشان مسئول هستند و کوتاهی در امر سرپرستی آنها مورد توبیخ و موجب کیفر دنیوی و اخروی دانسته شده است. فرزند خواندگی در ایران با تصویب «قانون حمایت از کودکان بدون سرپرست» در اسفند ماه ۱۳۵۳ جایگاه قانونی یافت. در حقوق ایران همانطور که از عنوان قانون مذکور نیز پیداست فرزند خواندگی به سبک دیگر کشورها وجود نداشته و آثار متفاوتی نسبت به قوانین این کشورها در پی دارد. در تحقیق حاضر پس از روشن شدن ماهیت فرزند خواندگی به بررسی این قانون پرداخته و شرایط، حقوق و تکالیف دو رکن اصلی این نهاد یعنی فرزند خوانده و فرزند پذیر و همچنین آثار ناشی از آن مورد مطالعه قرار گرفته است. امید است این تحقیق ناچیز در راستای رفع نواقص و ابهامات موجود در این زمینه مفید واقع شود.

واژگان کلیدی:

فرزند خواندگی، کودک بی سرپرست، سرپرستی، نسب، ارث.

فهرست مطالب:

مقدمه.....	۱
فصل اول: کلیات تحقیق.....	۴
۱-۱: طرح تحقیق.....	۵
۱-۱-۱: تعریف مسئله.....	۵
۱-۱-۲: سؤالات اصلی تحقیق.....	۵
۱-۱-۳: ضرورت انجام تحقیق.....	۶
۱-۱-۴: فرضیه ها.....	۷
۱-۱-۵: هدف های تحقیق.....	۸
۱-۱-۶: کاربردی که از انجام این تحقیق متصور است.....	۸
۱-۱-۷: روش انجام تحقیق.....	۸
۲-۱: تعاریف.....	۱۰
۱-۲-۱: تعریف فرزند خواندگی.....	۱۰
۲-۲-۱: تعریف فرزند واقعی یا فرزند صلبی.....	۱۱
۳-۲-۱: تفاوت فرزند خوانده و فرزند طبیعی.....	۱۱
۴-۲-۱: تعریف کودک.....	۱۲

فصل دوم: تاریخچه فرزند خواندگی ۱۴

۱-۲: فرزند خواندگی در ایران باستان ۱۷

۲-۲: تاریخچه فرزند خواندگی در اروپا ۲۰

۳-۲: فرزند خوانده در عربستان پیش از اسلام ۲۲

فصل سوم: فرزند خواندگی در اسلام ۲۴

۱-۳: زید بن حارثه و چگونگی فرزند خوانده شدنش ۲۷

۲-۳: ماجرای لغو تبنی ۲۸

۳-۳: جایگاه یتیم در حقوق اسلامی ۳۵

۴-۳: لقیط ۳۷

۵-۳: حسبه و کودکان بدون سرپرست ۴۰

فصل چهارم: فرزند خواندگی در حقوق ایران ۴۳

۱-۴: ماهیت حقوقی فرزند خواندگی در حقوق ایران ۴۵

۲-۴: فواید و زیان های فرزند خواندگی ۴۸

۳-۴: انواع فرزند پذیری ۵۱

۴-۴: دلایل به وجود آمدن پدیده بی سرپرستی و انگیزه های قبول فرزند خوانده ۵۳

- ۴-۵: قانون حمایت از کودکان بدون سرپرست ۵۵
- ۴-۵-۱: هدف قانونگذار ۵۵
- ۴-۵-۲: ایجاد رابطه سرپرستی ۵۶
- ۴-۵-۲-۱: شرایط پذیرندگان کودک ۵۶
- ۴-۵-۲-۲: شرایط فرزند خوانده ۶۶
- ۴-۵-۲-۳: تشریفات قانونی و چگونگی صدور حکم سرپرستی ۷۰
- ۴-۵-۳: آثار حقوقی فرزند خواندگی ۷۲
- ۴-۵-۴: قطع رابطه سرپرستی ۹۷
- ۴-۶: بررسی لایحه حمایت از کودکان و نوجوانان بی سرپرست و بد سرپرست و مقایسه آن با قانون
 فعلی ۱۰۱
- ۴-۶-۱: شرایط سرپرستی ۱۰۱
- ۴-۶-۲: شرایط فرزند خوانده ۱۰۶
- ۴-۶-۳: تشریفات قانونی فرایند سرپرستی ۱۰۹
- ۴-۶-۴: آثار سرپرستی ۱۰۹
- ۴-۶-۵: قطع رابطه سرپرستی ۱۱۱

نتیجه گیری..... ۱۱۳

پیوست..... ۱۱۵

فهرست منابع و مآخذ..... ۱۲۵

مقدمه

کودکان به عنوان یکی از اقشار آسیب پذیر جامعه همواره مورد توجه بوده و یکی از دغدغه های مهم حقوق دانان و جامعه شناسان حمایت از آنها و حفظ حقوق ایشان می باشد.

کودکان که سرنوشت جامعه فردا را رقم میزنند، زمانی می توانند افرادی سالم و فعال بوده و در راستای رشد و تعالی جامعه خود قدم بردارند که در خانواده ای سالم رشد یافته و تربیت شده باشند. آن دسته از افرادی که همیشه در اثر بلایای طبیعی و انسانی از قبیل جنگ، سیل، زلزله و ... بیشترین آسیب را می بینند کودکان هستند و یکی از پیامدهای این بلایا از دست دادن سرپرست و محل زندگی برای این دسته از افراد جامعه انسانی است. پدیده بی سرپرستی در فرهنگ ها و مکان های مختلف بر اثر علل متفاوتی به وجود می آید. در برخی جوامع، امروزه به علت کم رنگ شدن ارزش و قداست خانواده و ازدواج، کودکانی که حاصل رابطه ی نامشروع والدین خود هستند درصد بالایی از کودکان بی سرپرست را تشکیل می دهند. ولی در کشورهایی نظیر ایران به علت حاکمیت اخلاق و اصول شرعی در زندگی مردم تعداد بسیار کمی از کودکان بی سرپرست، کودکان نامشروع می باشند. عواملی همچون اعتیاد، مرگ و میر والدین در اثر بیماری یا حوادث طبیعی و انسانی و ... عواملی هستند که علل به وجود آمدن این پدیده را تشکیل می دهند.

آنچه در ابتدای کار باید مورد توجه قرار بگیرد جایگاه فرزند خواندگی در فقه اسلامی می باشد. از نظر فقها و برخی حقوق دانان این نهاد در اسلام به رسمیت شناخته نشده است و به همین دلیل قانون گذار نیز جانب احتیاط را رعایت کرده، قانون را تحت عنوان قانون «حمایت از کودکان بدون سرپرست» تدوین

نموده است. بنابراین چه در فقه اسلامی و چه در حقوق ایران فرزند خواندگی وجود ندارد و آنچه از روی مسامحه در مقالات و کتب اساتید و حقوق دانان محترم فرزند خواندگی نامیده می شود نهاد سرپرستی از کودکان بدون سرپرست می باشد^۱. با توجه به این مسأله عنوان این پایان نامه نیز در ابتدای امر «بررسی نهاد سرپرستی کودکان بی سرپرست» در نظر گرفته شده بود ولی بنابر توصیه اساتید محترم راهنما و مشاور به «بررسی فقهی و حقوقی فرزند خواندگی در حقوق ایران» تغییر یافت.

همانطور که گفته شد در فقه اسلامی نهادی تحت این عنوان وجود ندارد ولی دین اسلام به عنوان یک دین کامل هرگز کودکان بی سرپرست را رها نکرده و حقوقی برای آنها در نظر گرفته است و مسلمین را در برابر آنها مکلف و مسئول دانسته است. در آیات و روایات دستورات و توصیه های زیادی در مورد یتیمان و نگهداری از ایشان وارد شده است و نه تنها به نیازهای مادیشان توجه شده بلکه برای تأمین نیازهای معنوی آنها نیز دستوراتی آمده است و به نگهداری و تربیت این کودکان در محیط خانواده که بهترین و مناسب ترین محیط برای رشد و تعالی کودکان می باشد بسیار توصیه شده است. پیامبر اکرم (ص) می فرماید: «من عال یتیمًا حتی یستغنی، اوجب الله له بذلك الجنة: کسی که یتیمی را سرپرستی کند تا اینکه بی نیاز شود خداوند به موجب آن بهشت را بر او واجب می کند»^۲ و یا در جای دیگری از ایشان نقل شده است که می فرماید: «إِنَّ فِي الْجَنَّةِ دَارًا يُقَالُ لَهَا دَارُ الْفَرَحِ لَا يَدْخُلُهَا إِلَّا مَنْ فَرَحَ بِتَامِي الْمُؤْمِنِينَ: در بهشت زیبایی خداوند

^۱ برخی حقوق دانان با وجود اینکه خود عقیده دارند در قانون مدنی ما «فرزند خواندگی» وجود ندارد با این حال این اصطلاح را به کار برده اند. مراجعه کنید به: کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی خانواده، چاپ پنجم، تهران، انتشارات بهمن برنا، ۱۳۷۸، ج ۲، ش ۵۴۳
^۲ ابن شعبه حرانی، ابو محمد حسن بن علی بن حسین، تحف العقول، چاپ دهم، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۰۴ ه.ق، ص ۱۹۸

سرایی است که به آن سرای شادمانی گفته می شود و در آن سرا تنها کسانی در می آیند که یتیمان مردم با ایمان را شادمان کرده باشند^۱.

در ایران نیز به دلیل حاکمیت جو مذهبی در میان مردم تا پیش از سال ۱۳۵۳ علی رغم اینکه قانونی در زمینه کودکان بی سرپرست وجود نداشت خانواده ها یتیمان را در خانه های خود نگهداری می کرده و این کار را امری نیکو تلقی می نمودند و به این ترتیب کودکان یتیم در میان اقوام و آشنایان خود زندگی می کردند. اما با افزایش جمعیت و تحولات اجتماعی و فرهنگی و بالا رفتن آمار کودکان بی سرپرست نیاز به وجود قانونی در این زمینه حس می شد در نتیجه قانونی تحت عنوان « حمایت از کودکان بدون سرپرست » در اسفند ماه سال ۱۳۵۳ به تصویب رسید. در این قانون شرایط ، حقوق و تکالیف سرپرستان و کودک تحت سرپرستی و همچنین آثار سرپرستی بیان شده است. اخیراً نیز لایحه ی جدیدی تحت عنوان « لایحه حمایت از کودکان و نوجوانان بی سرپرست و بد سرپرست » در مجلس به تصویب رسیده است که تصویر این لایحه در انتهای پایان نامه جهت مطالعه و تطبیق مطالب مذکور در متن تحقیق ضمیمه خواهد شد. در این تحقیق نخست جایگاه فرزند خواندگی و کودکان بی سرپرست در اسلام و حقوق ایشان تشریح شده و در ادامه به بررسی این نهاد در حقوق ایران پرداخته شده است.

^۱ کرمی فریدنی ، علی ، پرتوی از پیام پیامبر (یا برگردانی از نهج الفصاحه) ، چاپ چهارم ، قم ، انتشارات حلم ، تابستان ۱۳۸۹ ، ص ۱۶۶ ، ش ۸۶۴

فصل اول

کلیات تحقیق

۱-۱. طرح تحقیق

۱-۱-۱. تعریف مسئله

خانواده مهمترین نهاد اجتماعی است و فرزند یکی از ارکان اصلی خانواده می باشد یکی از راههای جبران خلاء ناشی از نداشتن فرزند در خانواده های بدون اولاد پذیرفتن سرپرستی کودکان بی سرپرست می باشد. بنابراین گاهی خانواده هایی که خود صاحب فرزند نمی شوند کودکی را به عنوان فرزند خوانده می پذیرند و از وی نگهداری می کنند.

بر اثر ایجاد رابطه فرزند خواندگی حقوق و تکالیفی بین فرزند خوانده و فرزند پذیر به وجود می آید از جمله حضانت ، نفقه و این رابطه صرفاً با حکم دادگاه ایجاد می شود و در بعضی مواقع نیز با حکم دادگاه و طبق قوانین قابل فسخ می باشد. در این تحقیق به بررسی ماهیت فرزند خواندگی و آثاری که از آن ناشی خواهد شد پرداخته می شود.

۱-۲. سوالات اصلی تحقیق

۱. ماهیت فرزند خواندگی چیست و چه آثاری دارد؟
۲. آیا فرزندخواندگی در اسلام منسوخ شده است؟
۳. آیا پذیرش سرپرستی یک کودک باعث ایجاد نسب و قرابت می شود؟
۴. برای حل مشکلات کودکان بی سرپرست و ساماندهی وضعیت آنان در حقوق ایران چه تدابیری اندیشیده شده است؟

۱-۱-۳. ضرورت انجام تحقیق

حقوق مربوط به کودکان جزء مسائل حساس و پراهمیت در جامعه محسوب می شود. امروزه در سراسر دنیا حقوق دانان نسبت به مسئله ی کودکان و معضلات و مشکلات آنها به عنوان قشر ضعیف و آسیب پذیر که در دفاع از حقوق خود ناتوان است بسیار توجه نموده و خود را مسئول می دانند.

یکی از نیازهای اصلی کودک که جزء حقوق اولیه هر انسان تلقی می شود نیاز به داشتن سرپرستی است که از او مراقبت کرده و دلسوزانه در امر رشد و تربیت وی بکوشد. پدر و مادری که او را به دنیا آوردند وظیفه نگهداری و مراقبت از وی را نیز بر عهده دارند. کودکانی که بنا به دلایلی بدون سرپرست مانده اند بسیار آسیب پذیرتر و در معرض مشکلات جسمی و روحی بیشتری قرار دارند. مراقبت و نگهداری از این کودکان در مرحله نخست بر عهده ی دولتهاست که آنها را در مؤسسات و مراکز شبانه روزی نگهداری می کنند. ولی آیا نیازهای انسان تنها در مسائل مادی و خوراک و پوشاک خلاصه می شود؟ انسان موجودی عاطفی است که نیاز به محبت نیز دارد. در مرحله بعد دولتها می کوشند تا جایگزین مناسبی برای خانواده واقعی کودک بیابند و او را به خانواده ای مناسب که متقاضی سرپرستی وی باشند به فرزند خواندگی بسپارند. امروزه به دلایل مختلف علاوه بر بالا رفتن آمار کودکان بی سرپرست تعداد متقاضیان سرپرستی نیز رو به افزایش می باشد. نهاد فرزند خواندگی هم به لحاظ آثار فراوانی که از آن ناشی می شود و هم به دلیل افزایش تقاضا برای پذیرش سرپرستی اطفال بی سرپرست در عصر حاضر یکی از مسائل بسیار مهم در جامعه امروز به شمار می رود. با این وجود تا کنون بررسی های فقهی و حقوقی کافی در این زمینه انجام نشده است و حتی در کتب و مقالات فقهی بحثی تحت عنوان فرزند خواندگی یا سرپرستی کودکان بی سرپرست دیده نمی شود.

در فقه ما به علت منسوخ شدن فرزند خواندگی مرسوم در پیش از اسلام به مسئله فرزند خواندگی و سرپرستی کودکان بی سرپرست بی توجهی شده و به نوعی مسائل و احکام این کودکان علی رغم اهمیت آن در عصر حاضر مهمل گذارده شده است. در حالی که در سطح دنیا حقوق دانان برای مسائل کودکان و حقوق آنها اهمیت زیادی قائل شده و پیشگام شدن در تدوین قوانین به نفع کودکان را از افتخارات نظام حقوقی خود می دانند. لذا با توجه به اهمیت و حساسیت موضوع و وجود نواقص و ابهامات موجود در قوانینی که در این زمینه تدوین شده است، پرداختن به مسئله فرزند خواندگی و سرپرستی کودکان بدون سرپرست از نظر فقهی و حقوقی امری ضروری به نظر می رسد تا اینکه بتواند راهگشای محققین و فعالان در زمینه احکام و حقوق کودکان باشد.

۱-۱-۴. فرضیه ها

۱. فرزند خواندگی در نظام حقوقی ایران یک عمل حقوقی است و نمونه یک عقد جایز می باشد که یک طرف آن، حاکم شرع (به نمایندگی از کودک) و طرف دیگر آن زوجین متقاضی سرپرستی هستند.

۲. فرزند خواندگی به سبک دوران پیش از اسلام با توجه به سوره ی مبارکه احزاب و روایات مربوطه منسوخ شده است ولی احکام و حقوق مربوط به کودکان بی سرپرست ویتیم در آیات و روایات تشریح شده و قابل استنباط می باشد و نگهداری و رعایت حقوق آنها به عنوان وظیفه ای بر دوش مسلمانان قرار داده شده است.

۳. پذیرفتن سرپرستی کودک و فرزند خواندگی وی باعث ایجاد نسب و قرابت و در نتیجه جاری شدن آثار آنها همچون محرمیت، ارث و ... نخواهد شد.

۱-۱-۵. هدف های تحقیق

۱. اثبات وجود یا عدم وجود نهاد فرزند خواندگی در اسلام.
۲. مقایسه و مطابقت احکام مربوط به کودکان بی سرپرست در فقه اسلامی و قوانین موجود در این زمینه.
۳. مشخص کردن و تعیین آثار ناشی از رابطه فرزند خواندگی.
۴. بررسی شرایط پذیرش فرزند خوانده و حقوق و تکالیف بین فرزند خوانده و فرزند پذیر.
۵. بررسی وضعیت فرزند خواندگی در رابطه با اتباع بیگانه و اقلیت های مذهبی.

۱-۱-۶. کاربردی که از انجام این تحقیق متصور است

امید است تحقیق حاضر بتواند در جهت رفع ابهامات و کمبودهای قوانین فعلی در زمینه فرزند خواندگی مفید واقع شود همچنین به عنوان منبعی برای مطالعه پژوهشگران و محققان در زمینه حقوق کودکان بی سرپرست و فرزند خواندگی کارگشا بوده و برای دادگستری ها، قضات محترم، قانون گذاران، دانشگاهیان و طلاب حوزه ها مفید واقع شود.

۱-۱-۷. روش انجام تحقیق

روش انجام تحقیق کتابخانه ای و تحلیلی بوده و طی مراحل ذیل انجام گرفته است.

۱. مراجعه به منابع فقهی و حقوقی مکتوب در زمینه موضوع مورد نظر.

۲. مطالعه و فیش برداری مطالب.

۳. مطالعه تطبیقی فقه و حقوق ایران.

۴. جمع بندی و نتیجه گیری و تحریر مطالب.

۲-۱. تعاریف

۱-۲-۱. تعریف فرزند خواندگی

«فرزند خواندگی یا تبنی آن است که کسی دیگری را که فرزند طبیعی او نیست به فرزند پذیرد، فرزند خواندگی در صورتی که به رسمیت شناخته شده باشد نوعی قرابت ایجاد می کند، قرابتی که صرفاً حقوقی است نه طبیعی. به عبارت دیگر با قبول فرزند خواندگی، قانون یک رابطه مصنوعی پدر-فرزند یا مادر-فرزند بین دو نفر ایجاد می کند.^۱»

دکتر جعفری لنگرودی در ترمینولوژی حقوق شماره ی ۳۹۷۵ فرزند خواندگی را چنین تعریف می کند. «یک عمل حقوقی است که موجب پیدایش رابطه فرزند صوری بین دو شخص می شود. یکی را فرزند خواه (adoptant) و دیگری را فرزند خوانده (adopte) می نامند و رابطه مزبور را فرزند خواندگی (adoption) خوانند. این عمل سلب حقوقی را که فرزند خوانده در خانواده ی واقعی خود دارد نمی کند.^۲...»

در آیین نامه اجرایی فرزند خواندگی سازمان بهزیستی کشور (۱۳۸۵) در تعریف فرزند خواندگی آمده است: «فرزند خواندگی به فرایندی اطلاق می شود که در آن یک کودک از سوی یک زن و شوهر که والدین بیولوژیک او نیستند ولی قانوناً والدین او شمرده می شوند در خانواده ای پذیرفته می شود. با توجه به این مباحث می توان فرزند خواندگی را شیوه ای از مراقبت کودکان معرفی نمود که در آن رابطه والد-

^۱ صفایی، سید حسین و امامی، اسدالله، مختصر حقوق خانواده، چاپ بیست و سوم، تهران، نشر میزان، تابستان ۱۳۸۹، ص ۲۷۷

^۲ جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق، چاپ بیست و دوم، نشر گنج دانش، ش ۳۹۷۵، ص ۴۹۷ و ۴۹۸

فرزندى به شيوه اى قانونى، عاطفى و اجتماعى بين افرادى برقرار مى شود كه هيچ رابطه اى به واسطه اى تولد با يكديگر ندارند.^۱»

۱-۲-۲. تعريف فرزند واقعى يا فرزند صلبى

« در زبان حقوقى ما فرزند كسى است كه از نسل ديگرى باشد و رابطه اى خونى و طبيعى او و پدر و مادر را بهم پيوند دهد، همچنين جز در موارد استثنائى، فرزند طبيعى را در صورتى مى توان به پدر و مادر منسوب كرد كه ناشى از نكاح باشد: يعنى پدر و مادر او زن و شوهر باشند.^۲»

در ترمينولوژى حقوق در تعريف فرزند مى خوانيم: «فرزند *Enfant*: طفل را گويند خواه پسر باشد خواه دختر، در فقه لغت «ولد» همين معنى را دارد- زائيده انسان بى واسطه و با واسطه كه شامل اولاد و اولاد اولاد (هر قدر كه پائين رود) مى شود.^۳»

۱-۲-۳. تفاوت فرزند خوانده و فرزند طبيعى

با توجه به آنچه در تعريف فرزند خوانده و فرزند طبيعى گفته شد، فرزند خوانده در واقع فرزند ظاهرى يا حكمى است و رابطه بين فرزند خوانده و والدين، صورتى مى باشد و انتساب و قرابت او نسبت به خانواده مجازى مى باشد. به همين جهت امكان ازهم گسستن اين رابطه وجود دارد و حتى ممكن است فرزند خوانده فعلى درآينده در حكم فرزند خوانده شخص ديگر قرار گيرد. در صورتى كه رابطه بين فرزند

^۱ دفتر امور شبه خانواده، آئين نامه اجرائى فرزند خواندگى، تهران، سازمان بهزيستى کشور

^۲ کاتوزيان، ناصر، حقوق مدنى خانواده، ج ۲، چاپ پنجم، تهران، انتشارات بهمن برنا، ۱۳۷۸، ص ۳۸۱

^۳ جعفرى لنگرودى، محمدجعفر، پيشين، ش ۳۹۷۲، ص ۴۹۷

واقعی و والدین زیستی او طبیعی و واقعی است بنابراین هیچ حادثه ای حتی فوت هیچ یک از طرفین رابطه این رابطه را از بین نمی برد و فرزند مشروع را هیچ حادثه ای بیگانه نمی سازد^۱.

۱-۲-۴. تعریف کودک

کلمه کودک در زبان و ادبیات فارسی با کلماتی مانند: کوچک و صغیر، فرزند دختر یا پسر که به حد بلوغ نرسیده باشد، طفل، دختر بچه یا پسر بچه خردسال و جوان مترادف می باشد^۲.

در قرآن کریم و متون فقهی و روایی کلماتی مانند طفل، صبی، صغیر و ... معادل با کلمه کودک می باشد. در کتب فقهی برای خروج از سن کودکی و رسیدن به حد بزرگسالی معیارها و علائمی ذکر شده است که تا وقتی این علائم و معیارها حاصل نشده باشند شخص کودک محسوب می شود. بر طبق نظر مشهور این علائم عبارتند از: احتلام، انبات موی خشن بر عانه، حیض که از علائم مختص دختران است و حمل که دلیل بر سبق بلوغ در دختران است.

علامت دیگر که برای تشخیص بلوغ ذکر شده است سن می باشد که بر طبق نظر مشهور سن بلوغ برای پسران پانزده سالگی و برای دختران نه سالگی می باشد^۳.

^۱ کاتوزیان، ناصر، پیشین، ص ۳۸۱

^۲ معین، محمد، فرهنگ معین، ج ۳، تهران، انتشارات معین، ۱۳۸۴، ص ۳۱۱۷- عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید، چاپ سوم، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۹، ص ۱۰۲۲

^۳ حلی، ابوالقاسم نجم الدین جعفر بن حسن، معروف به محقق حلی، شرایع الاسلام فی المسائل الحلال و الحرام، ج ۲، تهران، کتبه العلمیه اسلامیة، ۱۳۷۷، ص ۹۹-۱۰۰- جبعی العاملی، زین الدین بن علی، معروف به شهید ثانی، مسالک الافهام، ج ۴، چاپ اول، قم، موسسه المعارف الاسلامیه، ۱۴۱۳، ه.ق، ص ۱۴۱- جبعی العمالی، زین الدین بن علی (شهید ثانی) الروضه البهیة من شرح المعه الدمشقیه، ج ۲، قم، مکتب نوید اسلام، ۱۳۸۲، ص ۱۴۴